



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۶/۰۹



ولی شاکر

بردم متاع عشق به بازار عاشقی

بردم متاع عشق به بازار عاشقی
 اما کسی نبود خریدار عاشقی
 پژمرد گل به گلشن و تنها گریست شمع
 پروانه هم کنون شده بیزار عاشقی
 پروانه زآنکه جان به کف پای شمع داد
 جز دود شعله نیست مرا یار عاشقی
 نوشم ز بس شراب محبت ز جام عشق
 بینم جهان به دیده خمار عاشقی
 از سر هوای باغ و گل و نوبهار رفت
 در پا خلیده میروم از خار عاشقی
 ناید صدایی از جرس کاروان عمر
 گرد ره است قافله سالار عاشقی
 با ماه تا سحر همه شب یاد میکنم
 از ماه روی یار و شب تار عاشقی
 شاکر گذشت عمر من وتو به پای او
 من غمگسار عشق و تو غمخوار عاشقی